

## سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران

عباسعلی منصوری\*

### چکیده

میرزا احمد آشتیانی از بزرگان حوزه فلسفی تهران و از ارکان اصلی انتقال فلسفه به طبقات متأخرتر بشمار میرود. میزان اهتمام و اشتغال او به فلسفه و عرفان، بگونه‌یی است که میتوان وی را در طبقه اهل فلسفه جای داد. او در مکتب میرزا ابوالحسن جلوه، تحصیل نمود و از محضر آقاعلی مدرس زنوزی بهره برد تا آنکه خود در علوم عقلی صاحب‌نظر گردید، بگونه‌یی که در جلسه درس اسفار او فضایی درجه اول نجف که بسیاری از آنها مجتهد مسلم بودند، شرکت میکردند. میرزا احمد به تأیید بزرگانی چون سید جلال‌الدین آشتیانی، بر مباحث عرفانی تسلط کامل داشت و در طرح مباحث عرفان نظری از دقت نظر بالایی برخوردار بود. نوشتار حاضر مشتمل بر دو بخش است. در بخش اول، سرگذشت میرزا احمد، ولادت و خاندان، مقام علمی، اساتید، شاگردان، آثار و خصوصیات اخلاقی وی، بررسی شده و بخش دوم، به اشتراکها و افتراقهای وی با عموم حکمای حوزه فلسفی تهران میپردازد.

۱۱۷

**کلیدواژگان:** میرزا احمد آشتیانی، حوزه فلسفی تهران، حکمای معاصر، فلسفه در ایران، مکتب تفکیک، حکمای تهران.

\* دانشیار گروه الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران؛ a.mansouri@razi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1403.15.2.3.2

سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳  
صفحات ۱۳۶-۱۱۷

## ۱. ولادت و خاندان

میرزا احمد آشتیانی (۱۳۰۰ق/۱۲۶۱ش تا ۱۳۹۵ق/۱۳۵۴ش)، چهارمین و کوچکترین فرزند میرزا حسن مجتهد آشتیانی، فقیه سرشناس روزگار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، در تهران بدنیا آمد. او پس از فرا گرفتن ادبیات فارسی و عربی، در خدمت پدر، به خواندن سطوح فقه و اصول پرداخت و پس از فوت او در سال ۱۳۱۹ق، نزد برخی از علمای بزرگ تهران که در بخش اساتید به آنها اشاره خواهد شد، علوم عقلی و نقلی را بکمال فرا گرفت.

میرزا احمد هنگام تأسیس حوزه علمیه قم توسط شیخ عبدالکریم حائری، مدتی کوتاه به قم رفت و در دروس وی شرکت کرد. اما اقامت او در قم کوتاه بود و حدود سال ۱۳۴۰ق، در سن چهل سالگی برای تکمیل علوم نقلی و درک محضر اساتید نجف اشرف، رهسپار عراق شد و حدود ده سال در آنجا اقامت نمود و با آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی مأنوس گشت (آشتیانی، ۱۳۹۰الف: ۲۱-۲۰). او در نجف علاوه بر کسب فیض از محضر بزرگان حوزه نجف، خود نیز مجلس درس فلسفه برگزار کرد و به تدریس اسفار مشغول شد (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۵۹).

میرزا احمد در سال ۱۳۵۰ از عراق به ایران بازگشت و در تهران، در مدرسه سپهسالار قدیم و سپس، در مدرسه سپهسالار جدید، مشغول تدریس علوم معقول و منقول شد. عادت میرزا این بود که هنگام فراغت از تدریس در حوزه، مجمعی برای تدریس اصول عقاید برای عموم علاقمندان تشکیل میداد و با بیانی ساده، به ارشاد و هدایت مردم میپرداخت (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۸؛ رازی، ۱۳۶۸: ۱۸۱-۱۸۲). سرانجام، میرزا احمد آشتیانی در روز سه‌شنبه ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۹۵ق (۱۳۵۴ش) در ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست و در صحن حرم عبدالعظیم حسنی شهر ری، بخاک سپرده شد (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲۵).

میرزا احمد دو پسر و چهار دختر داشت: میرزا محمدباقر، میرزا محمدصادق، همسر سیدمحمدرضا غفوری، همسر آقای نفیسی، همسر آقا میرزا ابوالحسن طباطبایی و همسر آیت‌الله سیدعباس طباطبایی (همو، ۱۴۰۳: ۲۰).

۱۱۸



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

## ۲. شخصیت و مقام علمی میرزا احمد آشتیانی

میرزا احمد یکی از علمای شاخص حوزه فلسفی تهران بود. استاد مطهری درباره مقام علمی او میگوید:

آقای آقامیرزا احمد آشتیانی جامع المعقول و المنقول و ضرب المثل تقوا و پارسایی بود. در درس اسفار او فضیلتی درجه اول آن ایام نجف که بسیاری از آنها مجتهد مسلم بودند، شرکت میکردند. حضرت استاد علامه طباطبایی در همان ایام، از محضر این مرد بزرگ استفاده کرده و قسمتی از اسفار را نزد او خوانده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۳۹).

سید جلال‌الدین آشتیانی در مورد مقام علمی وی مینویسد: «میرزا احمد در مباحث عرفانی مسلط بود و مدتها شرح فصوص، اسفار و شفا را تدریس کرده و در طرح مباحث نظری عرفان، بسیار دقت نظر داشت» (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۳۵). او همچنین تصریح میکند که:

بعد از تشرّف به مشهد، مقدمه قیصری را شرح کردم و نسخه‌ی خدمتشان فرستادم. ایشان به من گفت: با ذوق فلسفی آن را شرح کرده‌ای و خیلی بر مشکلات تسلط نداری! این بود که در یک سالی که در تهران بودم، اوایل شب میرفتم خدمتشان، عبارت را میخواندم و ایشان شرح میداد. فی الواقع خیلی تسلط داشت (کیهان فرهنگی، ۱۳۶۹: ۸۹).

همچنین استاد حسن زاده‌آملی از میرزا احمد چنین یاد کرده است:

من کتاب شفا را خدمت سه نفر خواندم. اکثر آن را خدمت استاد شعرانی خواندم - از کتاب نفس تا آخر آن - و از ابتدا تا بحث نفس را خدمت دو نفر بزرگوار، مرحوم فاضل تونی و مرحوم آقا میرزا احمد آشتیانی، که جامع علوم عقلی و نقلی و بزرگ مرد علم و عمل بود، خواندم (مجله حوزه، ۱۳۶۶: ۲۳).

میرزا احمد علاوه بر تبحر در فلسفه و عرفان که زمینه اصلی تألیف و تدریسهای وی بود، در علوم و فنون دیگر نیز مهارت داشته و همچون سایر شخصیت‌های حوزه فلسفی تهران، جامع معقول و منقول بوده است؛ از جمله:

عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران



**الف) اجازه نقل حدیث و گواهی اجتهاد:** میرزا احمد از پنج نفر از علما و مراجع عالیقدر آن زمان، اجازه نقل حدیث و روایات و گواهی وصول به درجه اجتهاد را گرفته بود: آیت‌الله میرزا حسین نائینی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله آقا شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله بروجرودی (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۸).

**ب) شعر:** آشتیانی شعر هم میسرود و تخلص وی «واله» بوده است. از اشعار او قصیده‌یی است در میلاد رسول اکرم و قصیده‌یی دیگر در میلاد امام زمان (عج). وی در حسن خط نیز نمونه بوده و در این زمینه نیز آثاری درخشان از ایشان بیادگار مانده است (همان: ۱۷).

**ج) طب و ریاضی:** وی بموازات تحصیل علوم عقلی و نقلی، به طب نیز روی آورد و در طب قدیم، تسلط کامل داشت و مدتها کتب تحقیقی طب را تدریس میکرد و کتابهای تحقیقی این دانش همچون شرح نفیسی و کلیات قانون را نزد اساتید مشهور، همچون میرزا محمدحسین و میرزا ابوالقاسم نائینی فراگرفت و در دروس طب میرزا علی‌اکبر ناظم الاطباء و رئیس الاطباء، میرزا ابو الحسن شرکت میکرد. در علوم ریاضی، او از تلامیذ نامدار میرزا جهان‌بخش و میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله بود و چندین دوره علوم ریاضی را تدریس نمود (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۴). استاد حسن‌زاده آملی درباره تبحر و مهارت میرزا احمد در طب میگوید: «میرزا در تهران قانون و طب تدریس میکرد. اگرچه آقای قمشه‌ای (الهی قمشه‌ای) و استاد شعرانی هم قانون درس میدادند، اما معروف بود که آقای میرزا احمد در قانون گفتن متفرد (بینظیر) بود» (مجله حوزه، ۱۳۶۶: ۳۳).

## ۲-۱. اساتید میرزا احمد

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی میرزا احمد آشتیانی اینست که در علوم مختلف زمانه خود، بویژه در فلسفه، توفیق شاگردی در محضر اساتید شاخص روزگار خود را داشته است. چنانکه گذشت، او نخست از محضر والد خود، میرزا حسن آشتیانی بهره برد. سپس از محضر بزرگان دیگری در تهران و نجف بهره‌مند شد. این اساتید عبارتند از: میرزای نائینی، ضیاءالدین عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی، میرزا هاشم اشکوری رشتی، میرزا حسن

۱۲۰



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

کرمانشاهی، شیخ محمدرضا نوری، سیدمحمد یزدی، حکیم اشکوری، شیخ مسیح طالقانی، میرزا شهاب‌الدین نیریزی شیرازی، ملامحمد هیدجی زنجانی و سیدعبدالکریم لاهیجی اصفهانی (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

## ۲-۲. شاگردان میرزا احمد

اگرچه میرزا احمد آشتیانی در مقایسه با برخی از بزرگان حوزه فلسفی تهران، از جمله میرزا حسن آشتیانی، محمدرضا قمشه‌ای و حکیم جلوه، کمتر بصورت پیوسته و مکرر به تدریس فلسفه پرداخته، اما حوزه درس و محفل بحث او، تا اواخر عمرش ادامه داشت و جویندگان معارف از علوم وی بهره بسیار برده‌اند. نام برخی از شاگردان زبده وی از این قرار است: سیدجلال‌الدین آشتیانی، حسن حسن‌زاده آملی، میرزا محمدباقر آشتیانی، محمدصادقی تهرانی، سیدعباس طباطبایی، آیت‌الله سیدعلی سیستانی، آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی، آیت‌الله مهدی حائری یزدی، علامه محمدتقی جعفری، آیت‌الله ملاعلی همدانی، آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، استاد مطهری، پرفسور عبدالجواد فلاطوری، استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر، دکتر محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر مهدی محقق، دکتر ابراهیم آیتی، دکتر محمد صادقی، دکتر محمدجعفر لنگرودی، دکتر موسی جوان، دکتر سیدصادق گوهرین، حکیم شیخ علی‌محمد جولستانی، حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی، شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی، شیخ جعفر خندق‌آبادی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شیخ علی محقق کاشمیری، سیدمهدی لاجوردی کاشانی، سیدهوشنگ میرمطهری، سیدمحمدتقی نقوی و سیدمحمدحسین آل‌طیب شوشتری (صدوقی سپا، ۱۳۵۹: ۱۷۱؛ مجله معارف اسلامی، ۱۳۴۵: ۵).

۱۲۱

## ۳-۲. تألیفات میرزا احمد

میرزا احمد آشتیانی از جمله حکمای دست به قلم بوده و تألیفات بسیار دارد، تا جایی که محمد رضا حکیمی، یکی از خصوصیات خاص او را تألیفات فراوان میدانند (حکیمی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). تألیفات میرزا احمد هم فراوانند و هم در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته شده‌اند. تا آنجا که نگارنده در منابع متعدد (رازی، ۱۳۶۸: ۱۸۲-۱۸۱؛ گلی‌زواره، ۱۳۸۰: ۲/

عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران



۱۲۵-۱۲۴؛ آشتیانی، ۱۴۰۶: ۸ و ۲۳-۲۵؛ استادی، ۱۳۸۶: ۱۱-۶۰۸؛ آشتیانی، ۱۳۸۱؛ همو، ۱۳۸۰: ۴۸؛ آشتیانی، ۱۳۷۵: ۶۰؛ حاج سید جوادی، ۱۳۸۱: ۱/۲۳) جستجو کرده، تألیفات میرزا احمد در حوزه‌های مختلف بشرح زیر است:

**الف) قرآن و حدیث:** ۱. طرائف الحکم در دو جلد عربی و فارسی. این کتاب مجموعه روایت‌های انتخاب‌شده‌یی است که آشتیانی برای جلسه‌های هفتگی خود فراهم نموده است. این اثر چندین بار بطبع رسیده است؛ ۲. رساله بیان نافع در تفسیر آیه «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم»؛ ۳. رساله در تفسیر آیه قل الروح؛ ۴. الاحادیث، شامل یکصد و بیست حدیث که در حاشیه رساله قول ثابت، بدون ترجمه، و نیز ضمیمه چاپ دوم قول ثابت، با ترجمه، چاپ شده است؛ ۵. تفسیر چند سوره از قرآن که نیاز به تبویب، تنظیم و ترتیب دارد؛ ۶. رساله‌یی مختصر در تفسیر سوره واقعه؛ ۷. رساله‌یی مختصی در فضایل السادات (دیدگاه روایی)؛ ۸. آداب الدعاء؛ ۹. هدیه احمدیه (ادعیه و ذکرهای مفید).

**ب) کلام و اعتقادات:** مهمترین آثار کلامی میرزا احمد پنج نوشته جامع در اصول عقاید شیعه است که عبارتند از: ۱) نامه رهبران؛ یک دوره اصول عقاید بزبان فارسی، که سه بار چاپ شده است. ۲) تذکرة الغافلین؛ یک دوره اصول عقاید بزبان فارسی، که حدود هفتاد سال پیش، بدون نام مؤلف، چاپ سنگی شده و لازم است تجدید چاپ شود. ۳) لوامع الحقائق؛ یک دوره اصول عقاید بزبان عربی، که یکبار در تهران، سال ۱۳۵۳، و بار دوم در لبنان بچاپ رسیده است. جزء اول این کتاب شامل توحید و نبوت، و جزء دوم آن مشتمل بر امامت و معاد است. ۴) رساله قول ثابت؛ به فارسی، بکوشش آقای کوشان‌پور، که شامل پنج اصل است: در اثبات خداوند، اثبات علم خداوندی، اثبات لزوم بعثت نبی، اثبات امامت و برزخ و معاد. این رساله اولین بار در ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۷م چاپ سنگی شده است. ۵) سرمایه سعادت؛ در توحید، نبوت، امامت و معاد.

علاوه بر آثار مفصل و جامع فوق، میرزا احمد کتابها و رساله‌های مختصر دیگری نیز در موضوع کلام و عقاید نگاشته است که عبارتند از: ۱) بیست رساله که بکوشش آیت‌الله استادی منتشر شده است؛ ۲) حاشیه بر شرح تجرید علامه حلی؛ ۳) حاشیه بر شرح تجرید قوشچی؛ ۴) رساله دلائل التوحید؛ ۵) رساله یادآور (در توحید) بزبان فارسی؛ ۶) رساله کلمه

طیبه؛ ۷) قصد السبیل در ابطال جبر و تفویض و اثبات امر بین الامرین؛ ۸) الهدیه الاحمدیه در علم باری که یکبار بصورت چاپ سنگی در دسترس قرار گرفته است؛ ۹) رساله فی الولایه، یکبار در ۱۳۶۸ق/ ۱۹۴۹م با چاپ سنگی منتشر شده است؛ ۱۰) رساله پرستش نامه که نویسنده آن را در سال (۱۳۵۳ق) نوشته و تاکنون دو بار بچاپ رسیده است؛ ۱۱) رساله عیدیه در نبوت و مقام رسالت حضرت ختمی مرتبت، رسول اکرم (ص)؛ ۱۲) رساله علم الباری.

**ج) فقه و اصول فقه:** ۱) مناسک حج به فارسی، چاپ تهران، ۱۳۸۶ق/ ۱۹۶۶م؛ ۲) حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری؛ ۳) حاشیه بر رسائل شیخ انصاری؛ ۴) حاشیه بر کفایه آخوند خراسانی؛ ۵) حاشیه بر شرح لمعه شهید ثانی؛ ۶) حاشیه بر شرایع محقق حلی؛ ۷) حاشیه بر کتاب الطهارة شیخ انصاری؛ ۸) حاشیه بر قواعد علامه حلی؛ ۹) حاشیه بر تبصره علامه حلی؛ ۱۰) حاشیه بر قوانین میرزای قمی؛ ۱۱) کتاب الصلوة (تقریرات درس آیت الله نائینی)؛ ۱۲) کتاب المتاجر (تقریرات درس آیت الله نائینی)؛ ۱۳) تقریرات اصول فقه (یک دوره درس محقق نائینی).

**د) فلسفه، عرفان، اخلاق و منطق:** ۱) حاشیه بر شرح اشارات؛ ۲) حاشیه بر الشواهد الربوبیه؛ ۳) حاشیه بر طبیعیات شفاء؛ ۴) حاشیه بر شرح فصوص الحکم؛ ۵) حاشیه و تصحیح کتاب تمهید القواعد ابن ترکه؛ ۶) حاشیه بر شرح مطالع (در منطق)؛ ۷) حاشیه بر شرح منظومه سبزواری؛ ۸) حاشیه بر اسفار ملاصدرا؛ ۹) حاشیه بر مصباح الانس؛ ۱۰) رساله اخلاق و توحید؛ ۱۱) مقالات احمدیه: در اخلاق، بزبان فارسی که دو بار چاپ شده و شامل سه مقاله در بیان فواید خودشناسی (مقاله اول) و اصول اخلاق (مقالات دوم و سوم) است؛ ۱۲) تبیان المسالك در بیان عقاید مسالك مختلف در مسئله وحدت وجود.

**ه) ادبیات فارسی و عربی، صرف و نحو و تجوید:** ۱) حاشیه بر مقامات حریری؛ ۲) حاشیه بر مطول تفتازانی در علوم بلاغت؛ ۳) حاشیه بر شرح نظام (صرف)؛ ۴) حاشیه بر سیوطی (نحو)؛ ۵) حاشیه بر شرح رضی (نحو)؛ ۶) حاشیه بر تصریح (نحو)؛ ۷) حاشیه بر شرح جامی (نحو)؛ ۸) رساله میزان القرائة (در تجوید)؛ ۹) قصیده‌یی در میلاد پیامبر اکرم (ص)؛

۱۲۳



عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران

سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۱۳۶-۱۱۷

۱۰) قصیده‌هایی در میلاد حضرت مهدی (عج)؛ (۱۱) رساله‌یی در فرق بین اسم‌جنس و علم‌جنس.

(و) **هیأت، نجوم، ریاضی و طب**: (۱) حاشیه بر خلاصه‌الحساب شیخ‌بهایی (ریاضی)؛ (۲) حاشیه بر تشریح الافلاک شیخ‌بهایی (هیأت)؛ (۳) حاشیه بر کلیات قانون بوعلی‌سینا (طب).

### ۳. خصوصیات اخلاقی و معنوی میرزا احمد

یکی از ویژگی‌های حوزه فلسفی تهران اینست که حکمای آن فقط اهل نظورری نبودند، بلکه بین نظر و عمل جمع نموده و مصداق واقعی حکیم بودند. میرزا احمد آشتیانی نیز از این فضیلت برخوردار بوده است. سید جلال‌الدین آشتیانی حالات روحی او را اینگونه وصف میکند:

سلامت نفس، و پاکی روح و اهتمام به امور مردم محتاج و عدم آلودگی از محیط، از خواص آن وجود ملکوتی بود. آن مرد بینظیر، آنچنان از تظاهر و ریا و خودنمایی مُبراً بود که حقیر احتمال میدهد برشمردن حقوق فراوان او، چه بسا موجب رنجش آن روح پرفتوح شود. چنان جهات کثرت و خلقی در جنبه حقی او فانی شده بود که واقعاً تبدیل شده بود به ملکی در لباس انسانی و از ناحیه کثرت تقوا و عبادت، دارای نورانیت خاص بود و بغیر از حق و حقیقت به امر دیگری توجه نداشت (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

آیت‌الله حاج میرزا محمدباقر آشتیانی، فرزند ارشد میرزا احمد، در مقدمه رساله تفسیر آیه «قل الروح...» - که در ضمن مجموعه چهارده رساله چاپ شده - نوشته است:

آقای والد... پیوسته به قرآن کریم و عترت عشق میورزید و ابراز علاقه میفرمود، تا حدی که در اعیاد هم دستور میدادند یک نفر از رجال سخن، ذکر مناقب و مصائب اهل بیت نبوت و مثالب اعداء آنها را نماید و گاهی به نفس خود چند روایت تلاوت و به بیان مختصر و نافی حضار را مستفیض میفرمودند. و در زمانی که حال حضور در مسجد برای اقامه جماعت داشتند، بین دو نماز یا بعد از فراغ از نماز، به حاج عبد، قاری ضریر - که به وجه

۱۳۴



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳



معجزه‌آسایی بوسیلهٔ توسل به مقام مقدس صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهراء - سلام الله علیها - حافظ قرآن شده بود. میفرمودند چند آیه از قرآن تلاوت نماید. و همواره به ما توصیه میکردند از قرائت قرآن همه روزه، ولو چند آیه، غفلت ننمایید که موجب سعادت دنیا و نجات آخرت است. و در جلسات شبانه که برای برادران دینی و ایمانی داشتند، هفته‌یی یک شب اختصاص به تفسیر داشت و در خلال این اوقات، تفسیر چند سوره را مرقوم نمودند، ولیکن چون اوراقش غیرمنظم است تاکنون موفق به طبعش نشدیم (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۸).

میرزا محمدباقر در مطلبی طولانی، در شرح احوال پدر نقل میکند:

از مرحوم مبرور پدرم، طاب ثراه، جويا شدم که آیا در مدت عمر خویش به شرف لقاء ولی عصر، امام زمان، علیه افضل الصلاه و السلام، رسیده‌اند یا خیر. پس از تأمل و شاید تبسمی فرمودند «گاهی آثاری مشاهده نمودم که غیر از آن وجود مقدس شایسته آن نبود». در آن لحظه نه من اصرار بر ذکر مواردش نمودم و نه ایشان بیانی فرمودند، ولیکن در مواقعی قضایایی اتفاق افتاد که گمان این جانب مورد انطباق بود. ۱) دستور به مداومت دعای مشروط به طهارت، بجهت حفظ از مرض وبا در سنه ۱۳۲۱ق (معروف به سال وبایی)، که ابتدا به ایشان نام دعا القاء میشود، بعد دسترسی به آن دعا بنحو غیر منتظره (بوسیله شخصی بعد از ادای نماز و در مسجد به ایشان) و مداومت بر آن و حفظ کلیهٔ افراد خانواده و کسانی که مداومت به خواندن آن کردند از ابتلاء به آن مرض و مبتلا شدن دو نفر از اعضای خانواده و شفای آنها. ۲) در نجف اشرف بر اثر توسل به امام زمان جهت وسعت رزق و اداء دیون در مسجد هندی، پس از فراغت از درس مرحوم میرزای نایینی، قدس سره الشریف، پیرمرد ناشناسی بدون سؤال و اظهار حال، نزد ایشان می‌آید و میگوید ما در موقع شدت و ابتلاء، این آیه را در شب نیمهٔ شعبان مینویسیم و در محل‌هایی که پول بجهت مخارج میگذاریم، نگهداری میکنیم، خداوند متعال وسعت میدهد؛ و متن دعا را به ایشان میدهد و میرود. بر همین دستور، اولین

مرتبۀ شب نیمه شعبان در کربلای معلی دستور العمل را انجام و از آن پس، من حیث لا یحتسب وسعت و برکت مرحمت شد. ۳) در مورد نامگذاری جزوه دعای هدیه احمدیه که فرمودند: «در فکر تسمیه آن بودم، سیدی ناشناس وارد منزل شد، پس از آنکه جویای حال شدند، به من فرمودند شنیدم که کتاب دعایی مرقوم داشته‌اید، گرفتند و ملاحظه کردند و فرمودند: نام کتاب دعایی را که تدوین کرده‌اید، هدیه احمدیه بگذارید. پس از خروج آن سید از اطاق، با توجه به اینکه کسی از نوشتن آن کتاب اطلاعی نداشت، بدنبال ایشان فرستادم که جویا شوم از کجا مستحضر شده‌اند که من تألیفی در اینباره نموده‌ام، هر چند گشتند کسی را نیافتند. از مستخدمین منزل سؤال نمودم که این آقا کجا رفتند، گفتند ما کسی را ندیدیم، نه وروداً و نه خروجاً». (همان: ۲۱-۲۰؛ آزاده، ۱۳۸۸: ۶۱).

یکی از ویژگیهای شاخص میرزا احمد این بوده که نسبت به اوضاع اجتماعی بیتوجه نبوده، بلکه با وجود تسلط کامل بر علوم و معارف گوناگون و تشکیل حوزه‌های درسی، از تبلیغ علوم و ارشاد عامه مردم کوتاهی نمی‌کرد. بهمین دلیل، اولاً، در اوقات فراغت از تدریس، مجمعی بعنوان تدریس اصول عقاید برای عموم طبقات علاقمند تشکیل داده و با بیانی ساده، به ارشاد و هدایت همگان میپرداخت. ثانیاً، چون احساس میکرد بین افراد جامعه در باب بحثهای کلامی و اعتقادی و مضامین عبادی، خلأ وجود دارد و لازم است اشکالها و تردیدهای عموم افراد حل و فصل شده و کتابهایی مناسب برای آنها نگاشته شود، به تألیف و تصنیف رسائل و آثاری در این زمینه پرداخت که در قسمت تألیفات به آنها اشاره شد.

#### ۴. نقش و جایگاه میرزا احمد آشتیانی در حوزه فلسفی تهران

میرزا احمد آشتیانی یکی از علما و چهره‌های شاخص حوزه فلسفی تهران است. با توجه به اینکه او تمایزهای قابل تأملی با سایر بزرگان فلسفی این حوزه دارد، بهترین راه برای فهم نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران، اینست که اشتراکها و افتراقهای فکری میرزا احمد آشتیانی با عموم حکمای این حوزه بررسی شود.

۱۲۶



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

## الف) اشتراکها

**جامعیت در علوم:** یکی از ویژگیهای حوزه فلسفی تهران اینست که حکمای آن گرچه بیشتر در فلسفه یا عرفان تبحر داشته‌اند، در عین حال، صاحب فن بوده و در طبیعیات، طب، ریاضیات و علوم نقلی نیز توانمند بوده‌اند. میرزا احمد نیز دارای این دانش و برتری بوده و مشاهده آثار او مؤید این مطلب است.

**توجه ویژه به فلسفه و عرفان:** وجه بارز شخصیت علمی میرزا احمد آشتیانی، تسلط او بر مباحث و مسائل فلسفه و عرفان است، بگونه‌یی که در دوران حضورش در نجف، به تدریس کتاب اسفار مشغول بوده است. بتصدیق و اذعان اهل نظر نیز میرزا احمد بر مسائل و مباحث فلسفه و عرفان تفوق داشته است. یکی از شواهد تسلط او بر متون و مباحث فلسفی اینست که قادر بوده در رساله‌های کوتاه، به بهترین نحو آراء مطرح در یک مسئله (مثلاً وحدت یا کثرت وجود و موجود یا مسئله علم الهی) را بزبان فنی و اجمالی بیان کند. خواننده این رساله‌ها با خواندن چند صفحه، درمی‌یابد که نویسنده بر مباحث اصطلاحات و آراء، تسلط کافی دارد. البته هر چند میرزا احمد بر مسائل و متون فلسفی تصرف داشت، اما فعالیت او صرفاً در فلسفه متمرکز نبوده و حتی شاید در مقایسه با توانایی و مهارتش، میتوان گفت در این حوزه، کمتر از حد انتظار، فعالیت داشته است و بخشی از وقت او معطوف فعالیت‌های دیگر، از قبیل مدیریت مدرسه مروی، رسیدگی به امور مردم، تدریس مباحث کلامی و عقیدتی برای عموم مردم، بوده است.

میرزا احمد آشتیانی به عرفان نیز اهتمام جدی داشت. این در حالی است که معمولاً مشتغلان در هر یک از دو جریان فلسفه و عرفان، علاقه چندانی برای ورود به جریان رقیب نداشتند و حتی گاه با جریان رقیب در ستیز و مخالفت بودند. بنظر میرسد میرزا احمد در این مورد وامدار حوزه فلسفی تهران است، زیرا این حوزه فلسفی، نه تنها عرفان ستیز نبوده، بلکه میانه خوبی با عرفان داشته است؛ چنانکه نویسنده کتاب مکتب حکمی تهران بصراحت اشاره کرده است که:

گرچه در تهران تصوف بعنوان یک مشی اجتماعی و بیرونی ظهور و بروز نداشته است، اما تصوف بعنوان یک علم، در کنار سایر علوم دینی، مورد توجه



بزرگان مکتب تهران بوده است و آن را علمی در عرض سایر علوم دینی  
میدانسته‌اند؛ ضمن اینکه بسیاری از ایشان در زندگی شخصی خود، مشی  
عرفانی و گاه ریاضتهای عارفانه داشته‌اند (شیخ، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

میرزا احمد آشتیانی از رویکرد غالب بر مکتب تهران نسبت به عرفان و تصوف دور  
نبوده است. او نیز در مقام نظر و تدریس، به کتب عرفانی توجهی جدی داشته و در مقام  
عمل نیز حکیمی اخلاقی و معنوی بوده است. شاهد صدق این مدعا بیان سیدجلال‌الدین  
آشتیانی درباره اوست؛ اینکه در مباحث عرفان مسلط بوده و مدتها شرح فصوص را تدریس  
کرده و در طرح مباحث نظری عرفان بسیار دقت نظر داشته است. همچنین در بخش آثار  
دیدیم که چند اثر او مربوط به حاشیه بر مهمترین آثار در حوزه عرفان نظری است. نگاهی  
به فهرست آثار میرزا احمد در فلسفه و عرفان نشان میدهد که او با متون اصلی فلسفه و  
عرفان مانوس بوده، بگونه‌یی که بر مهمترین آثار این دو حوزه حاشیه نوشته است.

**توجه به اخلاق عملی و جمع بین نظر و عمل:** میرزا احمد آشتیانی نیز همچون  
سایر بزرگان حوزه فلسفی تهران، صرفاً یک اندیشمند نظرپرداز نبود، بلکه به جمع بین نظر  
و عمل پرداخته است؛ یعنی علاوه بر اینکه در مقام بحث و نظر، استادی مسلم بوده، در  
مقام عمل نیز اندیشمندی معنوی و اخلاقی و مورد تحسین بوده است. اساساً یکی از  
ویژگیهای شاخص حوزه تهران، معنوی بودن این حوزه و حضور چهره‌هایی است که صاحب  
مقامات عالی اخلاقی و معنوی بوده‌اند (همان: ۹۴) بیشتر در بخش خصوصیات اخلاقی و  
فردی و بخش ویژگیهای اخلاقی-معنوی بتفصیل در اینبار سخن گفته شد.

## ب) تفاوتها و تمایزها

**توجه و اهتمام بیشتر به علم کلام و تدریس عقاید:** میرزا احمد آشتیانی در  
مقایسه با هم‌طرازان معاصر خود، التفاتی ویژه به مباحث کلامی داشت. در بخش مربوط به  
معرفی آثار میرزا احمد به هفده اثر کلامی او اشاره شد. توجه به آثار کلامی وی نشان  
میدهد که او در هیچ موضوعی به اندازه مباحث کلامی ورود ننموده است. بگفته رضا استادی،  
میرزا احمد مهمترین کتابها و رساله‌های کلامی را بعد از بازگشت از نجف، یعنی بعد از  
پنجاه سالگی نگاهشته و تنها رساله قول ثابت را در جوانی نوشته است. حتی کتاب نامه

۱۲۸



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

رهبران که مفصلترین اثر کلامی اوست، را در سن ۷۵ سالگی به پایان رسانده است (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۳). این مطلب که آثار کلامی میرزا احمد مربوط به دوران جوانی او نبوده، بلکه برخی را حتی در اواخر عمر - یعنی حدود ۷۵ سالگی - برشته‌ تحریر درآورده، نشان می‌دهد که وی آگاهانه توجهی ویژه به مباحث کلامی داشته است.

در مورد آثار کلامی میرزا احمد چند نکته قابل تأمل است:

- اکثر آثار کلامی او بزبان فارسی بوده و صبغه فنی آنها کم‌رنگتر است. این نشان می‌دهد که هدف و دغدغه میرزا احمد از ورود به مباحث کلامی، بیشتر تبلیغ و ارشاد مردم بوده است. شاهد دیگری که این مدعا را تصدیق میکند اینست که او جلسه درس عقاید برای عموم مردم برگزار نمیکرده است.

- حاشیه نگاشتن بر شرح تجرید علامه حلی و بر شرح تجرید قوشچی بیانگر آنست که او علاقمند ورود تخصصی به مباحث کلامی نیز بوده است.

- میرزا احمد در آثار کلامی‌اش رویکرد فلسفی دارد. بهمین دلیل است که مهم‌ترین کتاب کلامی، یعنی نامه رهبران را مانند تجرید الاعتقاد محقق طوسی، در دو بخش فلسفه و کلام تنظیم نموده است؛ در بخش اول، یک دوره فلسفه بر اساس حکمت متعالیه صدرایی تبیین نموده و در بخش دوم که کلام است، بارها به بخش فلسفی آن ارجاع داده است. مجموع آثار کلامی میرزا احمد، بویژه پنج اعتقادنامه او، بیشتر استدلالی و تحلیلی هستند تا توصیفی؛ یعنی وی در اعتقادنامه‌هایش معمولاً همان اصول اعتقادی مشهور را مطرح نموده و عمدتاً بر استدلال بر آن اصول متمرکز شده و بفرآخور نوشته، به استدلالها تنوع و بسط داده است (منتظران اصل، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

### توجه بیشتر به فقه و علوم نقلی: حکمای مکتب تهران برغم جامعیت در علوم

مختلف زمانه خود، عمده اشتغالشان به علوم عقلی بوده و به فقه و علوم نقلی توجه کمتری داشتند. اما در این میان، میرزا احمد آشتیانی به فقه و حدیث توجهی بیشتر داشته است. تقریرات دروس فقه و حواشی او بر کتب مهم فقهی (در مجموع سیزده اثر) و آثار او در حدیث و تفسیر قرآن (در مجموع نه اثر)، خود گویای این مطلب است. همچنین اشاره شد که میرزا احمد از پنج نفر از مراجع عالیقدر آن زمان اجازه نقل حدیث و گواهی وصول به

۱۲۹



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳  
صفحات ۱۳۶-۱۱۷

عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران

درجهٔ اجتهاد داشته است. شاهد دیگری که التفات ویژه به میرزا احمد را به علوم نقلی مینمایاند، اینست که او در کتب کلامی، عنایتی خاص به ادله و متون روایی داشته است، بگونه‌یی که منتظران اصل که کتاب *لوامع الحقایق* میرزا احمد را بررسی نموده، میگوید:

علی‌رغم اینکه میرزا احمد از اساتید مسلم حکمت متعالیه است و طبعاً صیغهٔ فلسفی در همهٔ آثارش مشهود است، *لوامع* او نمایانگر شخصیت جامع معقول و منقول اوست، چراکه او در همهٔ مباحث، علاوه بر استدلال عقلی، از روایات مربوطه هم بهره جسته و عقل و نقل را با هم می‌آمیزد. او حتی در بحث اثبات خالق، پس از طرح دلایل عقلی، نمونه‌یی از روایات حاوی استدلال را نقل میکند (همان: ۱۲۱).

**متهم بودن به تفکیک:** شاید توجه ویژهٔ میرزا احمد به علوم نقلی، سبب شده برخی او را از متمایلان به مکتب تفکیک بدانند. محمدرضا حکیمی در کتاب *مکتب تفکیک* مینویسد: «برخی از عالمان جامع معقول و عرفان، گرچه خود بنا بر اصطلاح، گرایش تفکیکی نداشتند، اما نظرهایی داشتند که با نظریات «اصحاب تفکیک» همسو و هماهنگ است». او در ادامه میگوید: نکته‌یی که هم در مورد ایشان (میرزا احمد آشتیانی) هست و هم دربارهٔ شیخ محمدتقی آملی، اینست که این بزرگان با اینکه فیلسوف بودند، ولی خودشان را دربست در اختیار افکار فلسفی قرار ندادند (حکیمی، ۱۳۷۵: ۳۲۲).

حکیمی در کتاب *معاد جسمانی در حکمت متعالیه*، در فصلی به ذکر دیدگاه کسانی میپردازد که دیدگاه ملاصدرا در باب معاد جسمانی را نقد کرده‌اند. او در این فصل مدعی شده که میرزا احمد آشتیانی از جمله کسانی است که اعتقاد ملاصدرا در باب معاد را بشدت نقد کرده و او را تا سرحد تکفیر، قرار داده است و نقل قولی از کتاب *لوامع الحقایق* میرزا احمد را نقل میکند (همو، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۲۲۰). بنظر نگارنده، نقل قول آقای حکیمی از کتاب *لوامع صحیح* است. میرزا احمد در این کتاب بعد از طرح دلیل مخالفان معاد جسمانی و بازگشت نفس مجرد به بدن مادی، مینویسد:

و نقول فی الجواب عنها اولاً ان هذه الصور التي أسستهم اصولاً لاثباتها و  
أحکمتهم قواعدها و شیدتم بنیانها و أتبعتم أفكارکم فی تقریبها، لا تنطبق علی

۱۳۰



المحشور فى القيامة الكبرى بوجه اصلاً و ان أمكن انطباقها فى ظاهر الامر  
على القوالب المثالية التى فى عالم البرزخ... .

سپس دربارهٔ دليل نادرست بودن نفی معاد جسمانى بحث میکند و درنهایت مینویسد:

فإنكار المعاد الجسمانى و عود الارواح الى الاجسام الذى يساعده العقل السليم،  
يخالف نص القرآن بل جميع الأديان، و انكار لما هو ضرورى الاسلام، أعاذنا الله  
تعالى من زلات الاوهام و تسويلات الشيطان.

آنگاه بتفصیل، در دو صفحه به ذکر آیاتی میپردازد که ناظر به معاد جسمانى است (آشتیانی،  
۱۳۹۰ ب: ۴۵۳-۴۴۹).

از عبارات فوق میتوان نتیجه گرفت که میرزا احمد با دیدگاه ملاصدرا در مورد معاد  
موافق نبوده، اما نمیتوان گفت ملاصدرا را تکفیر نموده است. اسلامى در کتاب رؤیای  
خلوص که در نقد مدعیات مکتب تفکیک است، در اینباره تحلیلی قابل تأمل دارد و میگوید:

این سخن با همهٔ اهمیتی که ممکن است در تفکر فلسفى داشته باشد، از  
بحث ما خارج است. استاد باید مدرکی نشان دهد که گویای تکفیر ملاصدرا  
از سوی آشتیانی باشد. این سخن نشان میدهد که فیلسوفى با فیلسوفى دیگر  
معارضه کرده و رأى او را نپذیرفته است. استناد این فیلسوف به نص قرآن نیز  
به این دلیل است که مدعى بوده معاد او با ظواهر قرآن سازگار است و در  
نتیجه نیازی به تأویل آیات معادى نیست، حال آنکه آشتیانی این ادعا را  
نمیپذیرد (اسلامى، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

اینکه میرزا احمد آشتیانی چه نسبتی با اندیشهٔ تفکیک دارد، میتواند موضوع نوشتاری  
مستقل باشد. باجمال اینکه، این مسئله ارتباطی تام و تمام با مقصود و مراد ما از اصطلاح  
«تفکیک» دارد، زیرا واژهٔ تفکیک هم مفهومی است که میتواند ناظر به معانی متعدد باشد،  
و هم حدود معنای اصطلاحی آن همچنان روشن و منقح نشده است؛ ضمن اینکه، تفکیکی  
بودن یا نبودن، صفر و یک نیست، بلکه مفهومی طیف‌گونه است که بنوعی میتوان اکثر  
دانشمندان اسلامى را ذیل آن قرار داد. بهمین دلیل، لحاظ نکردن معنای طیفی این مفهوم  
و نسبت دادن تفکیک به چهره‌ها، نوعی مغالطه است.

۱۳۱



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳  
صفحات ۱۳۶-۱۱۷

عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزهٔ فلسفى تهران

با این وصف، اگر مراد از تفکیک را نوعی اخباریگری و عقل‌ستیزی بدانیم، نیاز به توضیح ندارد که به این معنا، میرزا احمد آشتیانی تفکیکی نیست؛ اشتغال طولانی‌مدت او به تدریس فلسفه، کلام و عرفان و آثار او در این سه قلمرو، بهترین شاهد بر نقض این مدعاست. حتی اگر مراد از تفکیک را اعتقاد به جدا دانستن سه روش معرفتی فلسفه، دین و عرفان بدانیم، به این معنا نیز دشوار است که میرزا احمد را تفکیکی بدانیم، زیرا اولاً، او به عرفان توجهی ویژه داشته است. ثانیاً، روش او در تبلیغ و ارشاد، بیشتر کلامی بوده و در کلام هم اکثراً مشی فلسفی دارد تا مشی نقلی؛ نوع ورود وی به مباحث کلامی نشان می‌دهد که او منبع معرفتی عقل را از وحی متمایز ندانسته و سعی کرده از یکی برای فهم دیگری، استفاده کند. اما اگر مراد از تفکیک، عدم اشتغال تمام به علوم عقلی و توجه همزمان به علوم نقلی باشد، یا مراد میل کمتر به تأویل آیات و روایات و توجه بیشتر به حجیت ظواهر متون دینی باشد، به این معنا، شاید بتوان میرزا احمد را متمایل به اندیشه تفکیک دانست؛ هرچند در اینجا نیز میزان اشتغال او به علوم عقلی (فلسفه و کلام) و عرفان، بسیار بیشتر از اشتغال او به علوم نقلی بوده است.

**تمایل به فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی:** معمولاً حکمای برجسته حوزه فلسفی تهران از دخالت در امور سیاسی-اجتماعی پرهیز میکردند و عمده فعالیت و دغدغه آنها تدریس و تألیف بوده است. شاید بتوان در این میان، میرزا احمد آشتیانی را یک استثنا دانست؛ البته نه به این معنا که او یک چهره سیاسی-اجتماعی شاخصی بوده، یا در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت جدی نموده باشد، بلکه بدین معنا که در مقایسه با سایر بزرگان حوزه فلسفی تهران، نسبت به مسائل اجتماعی-سیاسی دغدغه و ورود بیشتری داشته است. شواهد متعددی درباره فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی میرزا احمد وجود دارد؛ از جمله:

- ورود به مباحث کلامی و تبلیغی و ارشاد عموم، نشان از حساسیت و دغدغه‌مند بودن میرزا احمد نسبت به مسائل اجتماعی دارد.

- میرزا احمد پس از تبعید امام خمینی و اعمال محدودیت برای پرداخت شهریه به نام ایشان، مسئولیت پرداخت شهریه حضرت امام را پذیرفت؛ مسئولیت و خدمتی که سپس، توسط فرزندش، میرزا محمدباقر ادامه یافت. امام خمینی با توجه به اینکه آشتیانی فیلسوف و فقیهی معروف و تقریباً بیست سال از ایشان بزرگتر بود، نامه‌ی بسیار محترمانه به وی



نوشت و به ایشان اجازه گرفتن و پرداخت شهریه داد. بگفته سیداحمد خمینی این موضوع در تهران بازتابی بسیار گسترده داشت. مخالفان امام خمینی این وکالت را دون شأن آقای آشتیانی شمردند و تبلیغات منفی کردند، اما آشتیانی به این تحریکات و تبلیغات منفی که تا پایان عمر وی ادامه داشت، توجه نکرد (خمینی، ۱۳۸۹: ۲/۱۹۲).

- میرزا احمد نامه‌یی که در دی‌ماه سال ۱۳۰۰، توسط گروهی از روحانیون در اعتراض به قانون گرفتن مالیات از املاک وقفی، به رئیس وقت مجلس شورای ملی نوشته شده بود را امضا نمود (حائری و تدین‌پور، ۱۳۷۸: ۲/۷۷).

- امام خمینی در پایان اسفند ۱۳۴۱، در نامه‌یی خطاب به محمدتقی فلسفی، از وی، میرزا احمد آشتیانی و محمدتقی آملی، از علمای تهران، درخواست کرد در اعلامیه‌یی، صدمات استبداد پهلوی بر اسلام را افشا کرده و اعمال فریبنده دولت را محکوم کنند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱/۱۵۵). این نامه بیانگر آنست که امام خمینی چنین تلقی‌یی داشته که میتواند در این امر روی میرزا احمد حساب کند.

- در سال ۱۳۴۲، بدنبال سخنان حسن پاکروان، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) علیه امام خمینی و سیدحسن قمی، و ادعای توافق و همراهی علما با دولت، میرزا احمد آشتیانی و محمدتقی آملی در اطلاعیه‌یی در تکذیب این ادعا، اتحاد تمام علمای اسلام در قم، نجف، مشهد و دیگر شهرها را در دفاع از اسلام متذکر شدند و اندکی پس از قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، با انتشار اعلامیه‌یی، بطور تلویحی از امام خمینی و سیدحسن قمی حمایت کردند و نسبت به بازداشت علما هشدار داده و درباره تعرض مأموران رژیم پهلوی به مردم و جرح و قتل آنان، ابراز تأسف و تألم نمودند (دوانی، ۱۳۹۴: ۳/۳۹۹).

- پس از تبعید امام خمینی به ترکیه، در آبان ۱۳۴۳، میرزا احمد آشتیانی در خانه خود با حضور سیداحمد خوانساری، محمدرضا تنکابنی و محمدتقی آملی - با حسین قدس نخعی، وزیر وقت دربار پهلوی، دیدار نموده و خواسته علما درباره آزادی امام خمینی را به وی یادآور شد (روحانی، ۱۳۸۹: ۲/۱۲۵-۱۲۴).

- پس از تبعید امام خمینی به ترکیه، برخی از مبارزان برای سفر به ترکیه و دیدار با ایشان، در خانه میرزا احمد آشتیانی گرد آمدند و وی در نامه‌یی به مرجع تقلید وقت،

۱۳۳



عباسعلی منصوری؛ سرگذشت میرزا احمد آشتیانی و نقش و جایگاه او در حوزه فلسفی تهران

سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، تلاش‌های خود و گروهی از علما برای بازگرداندن امام خمینی به ایران از طریق وزیر دربار را تشریح کرده است (همان: ۱۲۴).

به احتمال زیاد، یکی از علل اصلی توجه نسبی میرزا احمد به امور سیاسی-اجتماعی، این بوده است که وی به خانواده و خاندانی تعلق داشته که در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مشارکت جدی داشته‌اند. پدر او، آیت‌الله میرزا محمدحسن آشتیانی، ضمن تشکیل حوزه علمیه در تهران و پرداختن به تدریس معارف فقهی، از شرایط اجتماعی غافل نبود و به مسائل جامعه توجه داشت؛ بهمین دلیل، دارای جایگاهی رفیع در میان اهالی تهران بود. او از هنگام ورود به ایران تا زمان رحلتش، مرجع احکام شرعی بود و در چند سال آخر عمر، متولی و متصدی تمام اوقافی شد که تولید آنها با علم علما بود (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۴۹؛ تفضلی و فضایی، ۱۳۷۲: ۴۹۴). همچنین او رهبری جنبش تنباکو در تهران را بر عهده داشت و اساساً جنبش تنباکو، نخست از جانب او در تهران آغاز شد و بخاطر فعالیتش در این زمینه، از تهران تبعید گردید (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۵۴؛ حائری، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

برادر بزرگتر میرزا احمد، آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی، از رهبران برجسته مشروطه بود و نقشی بسیار مهم در پیروزی مشروطه داشت. او همچنین در جریان کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس مردها، به مخالفت با رضاخان برخاست. برادر دیگر او، میرزا هاشم آشتیانی، از همفکران سیدحسن مدرس و از دوره چهارم تا هشتم، نماینده شورای ملی بوده است (مکی، ۱۳۸۰: ۵ / ۱۳۰؛ بامداد، ۱۳۷۸: ۴ / ۱۰۱). همچنین برادر دیگرش، میرزا مصطفی آشتیانی، متخلص به صهبا و ملقب به افتخارالعلماء، از مشاوران و دوستان نزدیک سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی بشمار میرفت و با آنها ارتباطی نزدیک داشت، و در ماجرای به توپ بستن مجلس، جزو تحصن‌کنندگان بود که بدلیل فعالیت‌هایش در این دوره، در سن ۴۳ سالگی ترور شد (کرمانی، ۱۳۴۹: ۵ / ۲۳۵).

۱۳۴

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

میرزا احمد آشتیانی یکی از چهره‌های شاخص حوزه فلسفی تهران است که عمده شهرت و اعتبار او مرهون فعالیتهای وی در تدریس و تألیف فلسفه و عرفان بوده، بگونه‌یی که میتوان مدعی شد او یکی از چهره‌های مؤثر در انتقال فلسفه به نسل بعد از خود بوده



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳

است. یکی از ویژگیهای برجسته او، تألیفات پرشمارش در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی است. میرزا احمد همچون عموم حکمای حوزه تهران، جامع معقول و منقول بود و به عرفان توجهی خاص داشته و در مقام عمل نیز اهل سلوک اخلاقی و معنوی بوده است. او تمایزهایی با حکمای مشهور حوزه تهران نیز داشته که عمده‌ترین آنها عبارتند از: توجه ویژه به علم کلام و تلاش در راستای تدریس عقاید برای عموم مردم، التفات و اهتمام بیشتر به علوم نقلی، و توجه بیشتر به فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی. توجه به افتراقها و اشتراکهای میرزا احمد با سایر حکمای مکتب تهران، خواننده را به این نتیجه میرساند که گرچه شاید نقش فلسفی و عرفانی میرزا احمد در مقایسه با سایر بزرگان، کم‌رنگتر بوده، اما نقش او در علوم نقلی و بویژه کلام، پررنگ است.

## منابع

- کیهان فرهنگی (۱۳۶۹) «میراث ماندگار (مجموعه مصاحبه‌های سال اول تا چهارم کیهان فرهنگی)»، تهران: کیهان.
- مجله حوزه (۱۳۶۶) «مصاحبه با حسن‌زاده آملی»، شماره ۲۱، مرداد و شهریور، ص ۳۴-۱۷.
- مجله معارف اسلامی سازمان اوقاف (۱۳۴۵) «مختصری از شرح زندگانی آقا میرزا احمد آشتیانی»، شماره اول، شهریور.
- آزده، مجید (۱۳۸۸) «مدرسه مروی، اساتید و متولیان آن»، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۲، ص ۶۳-۶۱.
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۰) شرح مقدمه قیصری بر فصوص‌الحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۸۱) «مقدمه» در تمهید القواعد، قم: بوستان کتاب.
- آشتیانی، محسن (۱۳۷۵) سیمای آشتیان، قم: فقه.
- آشتیانی، میرزا احمد (۱۳۸۳) بیست رساله، مقدمه و تحقیق رضا استادی، قم: بوستان کتاب.
- (۱۳۹۰ الف) طرائف الحکم، تهران: زهیر.
- (۱۳۹۰ ب) لوامع الحقائق فی اصول العقائد، قم: کنگره علامه آشتیانی.
- (۱۴۰۳) چهارده رساله فارسی، بکوشش رضا استادی، تهران: چهل‌ستون.
- (۱۴۰۶ ق) صدویست حدیث و چهار رساله عرفانی و فلسفی، بکوشش رضا استادی، تهران: چهل‌ستون.

استادی، رضا (۱۳۸۶) تاریخ پیدایش شیعه و چهل مقاله دیگر، قم: قدس.

اسلامی، حسن (۱۳۸۷) رؤیای خلوص: بازخوانی مکتب تفکیک، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

اصفهان‌کی کربلایی، حسن (۱۳۸۲) تاریخ دخانیه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بامداد، مهدی (۱۳۷۸) شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران: زوار.

تفضلی، آذر؛ فضایی جوان، مهین (۱۳۷۲) فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

حاج سید جوادی، کمال (۱۳۸۱) اثرآفرینان (زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

حائری، عبدالحسین؛ تدین‌پور، منصوره (۱۳۷۸) اسناد روحانیت و مجلس، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

حائری، عبدالهادی (۱۳۹۲) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۵) مکتب تفکیک، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

----- (۱۳۸۶) معاد جسمانی در حکمت متعالیه، قم: دلیل ما.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹) صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دوانی، علی (۱۳۹۴) نهضت روحانیون ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

رازی، محمدشریف (۱۳۶۸) اختران فروزان ری و تهران یا تذکره المقابر، قم: الزهراء (س).

روحانی، سیدحمید (۱۳۸۹) اسناد انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد تاریخ پژوهش و دانشنامه انقلاب اسلامی.

شیخ، محمود (۱۳۹۷) مکتب حکمی تهران و عرفان اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۹) تاریخ حکما و عرفا و متأخرین صدرالمتألهین، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۴۹) تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۰) کاروان علم و عرفان: شرح حال جمعی از حکیمان و عارفان، قم: حضور.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶) مجموعه آثار، ج ۱۴: خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: صدرا.

مکی، حسین (۱۳۸۰) تاریخ بیست ساله ایران، تهران: علمی.

منتظران اصل، محسن (۱۳۹۰) «اعتقادات امامیه در کلام میرزا احمد آشتیانی؛ کاوشی بر محور لوازم الحقائق فی اصول العقائد»، دوفصلنامه هفت آسمان، شماره ۵۲، ص ۱۴۰-۱۱۷.

۱۳۶



سال ۱۵، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۳